

یا موالی‌زاده باش، یا فیاض زاهد



مهرداد احمدی شیخانی
روزنامه‌نگار

به شهادت آنچه در این یک سال و نیم، چه در مطبوعات و چه در فضای مجازی منتشر کرده‌ام، من یکی از جدی‌ترین و فعال‌ترین هواداران جناب پزشک‌یکان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته و همچنین یکی از صریح‌ترین و پیگیرترین منتقدان او، از همان اولین روز بعد از انتخابات سال پیش بوده‌ام و همچنان هم هستم. اما چرا چنین کرده‌ام و همچنان به این رویه ادامه می‌دهم؟ واقع امر این است که بنا به یادداشت‌های همه این سال‌ها و بخصوص بعد از بهار پُرثمر مطبوعات دوره اصلاحات و بعدتر در این ۲۰ سال، یعنی از فاجعه انتخاباتی سال ۸۴ تاکنون، مدام بر آن تاکید کرده‌ام که آنچه در کشوری به نام ایران و منطقه‌ای به نام خاورمیانه اولویت دارد، ساختن سنت انتخابات است، سنتی که مهمتر از منتخب است. به گمان من، همین فقدان سنت انتخابات است که سبب شد تا از دل ۸ سال باورکردنی دوران اصلاحات برای کشور، که تمام شاخص‌ها نشان می‌دهد، بهترین دوران نیم قرن اخیر برای ایران بوده، و آنچه آن دولت تحویل داد و بسیار بهتر از چیزی بود که تحویل گرفت، از دلش، «مصیبت معجزه هزاره سوم» بیرون بیاید؛ مصیبتی که مسببان آن هنوز حاضر نیستند بگویند با برآوردن او، چه خسارت‌هایی به کشور وارد کردند که حتی در خوشبینانه‌ترین وضعیت، بعد از گذشت یک قرن می‌شاید چند کشور از زیر ویرانی‌هایی که آن مصیبت باعثش شد و هنوز هم سعی می‌کند هرطور شده به قدرت برگردد تا مصیبت‌های بیشتری بر کشور وارد کند، رها شویم. خیلی‌ها در این ۲۰ سال از این گفته‌اند که برآمدن آن مصیبت، دست‌ساز بوده، در مقابل من بارها نوشته‌ام که اگر جامعه ما، پس از انقلاب مشروطه، صاحب سنت انتخابات می‌شد، یا حتی بعد از انقلاب ۵۷ چنین سنتی ساخته می‌شد، امکان نداشت هیچ ترفندی می‌توانست آن مصیبت را از صندوق رای بیرون بکشد. بنابر این، اصرار بر اینکه آن مصیبت دست‌ساز بوده، بیشتر یک نوع فرافکنی است تا واقعیت بیرونی. رای واقعی این مصیبت، نهایتاً همان رای ۴ میلیون‌وی دور اول انتخابات ۸۴ بود که حدوداً رای بدنه اصلی تندرهای کشور است و تقریباً همیشه همین مقدار بوده. اما در مقابل، رای بدنه جامعه تحول خواه ایران، در شرایط معمول و نه حاصل تهییج، حدود ۱۶ تا ۱۸ میلیون است، یعنی مجموع همان آراء کاندیداهایی که بدنه اصلاح‌طلبی در آن دوره نمایندگی می‌کردند و با خرد شدن آن آراء بدنه، کار به دور دوم رفت تا همه چیز آنگونه شود که همه می‌دانیم.

البته نساختن سنت انتخاباتی را قبلاً در انتخابات شورای شهر دوم تجربه کرده بودیم و با وجود حماقت‌های عجیب و غریب در شورای شهر اول؛ از آنچه در شورای شهر دوم رخ داد درس نگرفتیم و شد آنچه شد و شورایی با ۱۰۰ هزار رای برای برخی از کاندیداهای تهران حاصل شد که بعدش از شهرداری همان مصیبت هزاره سوم از دلش بیرون آمد و فجایع بعدی

را بر کشور آوار کرد. از دل همان تجربه شورای شهر دوم به بعد بود که همیشه بر این تاکید کرده‌ام که یک فعال سیاسی، اول باید به دنبال ساختن یک سنت انتخاباتی برای ایران باشد و بعد بر منتخب تاکید کند و برای همین بود که در همه انتخابات بعدی، چه مجلس و چه ریاست‌جمهوری فعال بودم و حاصلش بخصوص از انتخابات ۱۴۰۰ تاکنون، از دست دادن بسیاری از دوستان و همراهان بوده؛ تا جایی که در آخرین نوبت، یعنی پس از انتخابات ۱۴۰۳، فقط به خاطر پیگیری مکررم در انتقاد صریح از رئیس‌جمهور پزشک‌یکان، حتی از جمع روزنه‌گشایان نیز اخراج شدم. اما روند کنش سیاسی و اجرایی رئیس‌جمهور در این یک سال و نیم، طوری بوده که هر روز به تعداد منتقدان او که زمانی از هواداران و رای‌دهندگانش بوده‌اند افزوده شده، تا جایی که کم نمی‌شوم کسانی بگویند از رای به او بشیمانند، ولی در مقابل، با وجودی که من شاید از صریح‌ترین هوادارانی باشم که از پزشک‌یکان انتقاد کرده و می‌کنم، همچنان معتقدم درست‌ترین کار در انتخابات پارسال، رای دادن به او بود، نه به این دلیل که پزشک‌یکان بهترین گزینه در بین کاندیداهای انتخابات ۱۴۰۳ بود که نبود و اگر صرفاً قرار است بر اساس منطق و استدلال و فهم کاندیداها از امور رای می‌دادیم، مصطفی پورمحمدی، قطعاً کاندیدی بهتری بود. اما سیاست و بازی در این عرصه که چنین نیست، در بازی سیاست، هدف این است که یک گام جلوتر برویم و با رای دادن به پورمحمدی، چون قطعاً جامعه به او رای نمی‌داد، دولت چهاردهم از دولت سیزدهم هم بدتر می‌شد، در حالی که در دولت چهاردهم کنونی، فقط در همین ایام، دو اتفاق افتاده که مایه سربلندی است. اول بر خورد استاندار خوزستان با ماجرای خودسوزی مرحوم «احمد بالدی»، که هرچند نه به سرعت، ولی به‌موقع بود. استانداری که از روزی که به کار گمارده شد از آسیب‌هایی که شهردار اهواز به این شهر وارد خواهد کرد به مدیران بالا دستی گفته بود و البته کمتر شنیده شد، ولی این دوست قدیمی، با همان صبوری که از ۵۰ سال پیش در او می‌شناسم، جلوی فاجعه‌ای که می‌توانست حوادثی مانند آن خودسوزی که در تونس روی داد و در ادامه، جهان عرب به خون کشیده شد را حاصل کند، که با سعه‌صدر و درایت جناب موالی‌زاده اینگونه نشد و این نیست جز انتخاب استاندارد عرب و فهم برای استانی که زیر پوست نازک خود، پر از التهاب است و دوم استغای دوست گرامی ام فیاض زاهد به انتصاب سقاب اصفهانی، و اصلاً ما برای همین به پزشک‌یکان رای دادیم که بتوانیم به آنچه در مدیریت کشور اشتباه می‌دانیم معترض باشیم و اعتراض مان صدا داشته باشد. اینکه وقتی پزشک‌یکان می‌گویند من دست هر کسی که بخواید به کشور کمک کند می‌فشارم و بعد چنین نکنند و به او اعتراض کنیم که چرا ادعایی خلاف داشتی و کاری عبث کردی؟ سنت انتخابات یعنی همین، یعنی بتوانی از این انتخابات تا انتخابات بعدی، نسبت به رفتار منتخب خود، کنشی فعال داشته باشی، نه اینکه یا به گوشه‌ای بخیزی، یا پستی بگیری و مشغول چاپلوسی و توجیه شوی. یعنی یا مثل موالی‌زاده اثرگذار شوی، یا وقتی دیدی اثرگذار نیستی، همچون فیاض زاهد نسبت به روند اشتباه امور معترض شوی.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



بررسی روایت رسانه‌های اصولگرا از انتخابات همسایه غربی

متحدان ایران برنده انتخابات عراق؟



محسن صالحی‌خواه
گزارشگر هم‌میهن

برخی مترجمین عرب مانند رژیم سعودی و امارات، با دست‌های پنهان شان در پی نفوذ و برهم زدن توازن قدرت به نفع خود بودند. آمریکا آشکارا فشار می‌آورد تا حشد الشعبی، که نماد مقاومت در برابر اشغالگری و تجاوزات غربی است، از صحنه سیاسی حذف شود، همان‌طور که سفارت آمریکا در بغداد به مرکزی برای هدایت نتایج انتخابات تبدیل شد و حتی تهدید کرد دولتی را که به این نیروها وزارت‌خانه‌ای بدهد، به رسمیت نخواهد شناخت! رژیم آپارتاید اسرائیل، در میان ادعاهایش در باره «نفوذ نظامی ایران» در عراق، عملاً به دنبال تضعیف این مقاومت بود تا امنیت اشغالگرانه‌اش در منطقه را تأمین کند؛ در شرایطی که گزارش‌های صهیونیستی ادعای کنند ایران تمرکز نظامی اش را به عراق منتقل کرده است. هم‌زمان، برخی مترجمین عرب مانند عربستان و امارات، که اغلب از سوی سیاستمداران عراقی متهم به مداخله می‌شوند، روابطشان با برخی از سیاست‌پسین آلوده بغداد را عمیق‌تر کرده‌اند تا علیه نیروهای مقاومت موضع بگیرند و توازن را به سمتی دیگر! سوق دهند؛ و همه اینها بخشی از یک بازی مداخله‌گرانه غربی برای حفظ هژمونی بر منابع و سیاست‌های غرب آسیا است؛ در شرایطی که شکارهای دموکراسی فقط پوششی برای استعمار است. باری، نتایج قطعی انتخابات عراق اعلام شد تا تمام این کوشش‌هایی اثر شود!

▼ ادامه سیاست توازن در بغداد

روزنامه قدس نگاه نسبتاً واقع‌گرایانه‌تری به این انتخابات داشت و در مطلبی نوشت: «تحلیلگران معتقدند دولت آینده توازن محور خواهد بود، نه کاملاً در مدار ایران، نه غرب‌گرا؛ بلکه ادامه سیاست متوازن السودانی برای ثبات داخلی و روابط خارجی متنوع. این انتخابات با مشارکت بالاتر و آراش نسبی، نشانه بلوغ دموکراتیک عراق است؛ اما چالش‌های اقتصادی، فساد و فشارهای خارجی

گزارش دو

معاون حاشیه ساز

ماجراهای اسماعیل سقاب اصفهانی از شکاف در دولت تا زیر سوال رفتن مدرک

اجتماعی به‌خصوص اعتراض برخی اعضای تیم پزشک‌یکان، خبر استغای فیاض زاهد و موافقت ابلاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی با این درخواست منتشر شد. او در این نامه خطاب به حضرتی نوشت: «رفاقت من با شما به عمری دراز می‌رسد. با اعتماد شما و دکتر پزشک‌یکان – که بابت حمایت‌هایی که از او کرده‌ام بسیار خرسندم – پذیرفتم در شورای اطلاع‌رسانی دولت همکاری نمایم. تلقی من آن بود که به‌عنوان عضو حقیقی شورا اختیار و اراده آن را دارم که با توجه به این مسئولیت حقیقی، در بیان نظراتم هویت و استقلال داشته باشم – البته در این یکسال اخیر مدارا و تحمل جنابعالی و رئیس‌جمهور سرمایه من محسوب می‌شد – اما به نظر ویژگی فردی و اظهارات و نوشته‌های گاه و بگاه موجب نارضایتی‌هایی شده است. لذا ضمن سپاس از حسن ظن و حس برادری که سرمایه‌ای دراز بوده، از عضویت در شورای اطلاع‌رسانی استعفا داده و برای شما و دولت جناب رئیس‌جمهور آرزوی موفقیت و سربلندی دارم.»

▼ مسیر گم شده است

احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی در یادداشتی تلگرامی نوشت: «به نظر من این نوع نزاع‌های سیاسی هم گم کردن راه و هم گمراه کردن جامعه است؛ در واقع از همان ابتدای تشکیل دولت آقای پزشک‌یکان، بحث بر سر انتصاب‌های دولتی شروع شد و به تدریج بالا گرفت. در همان موقع هم من نوشتم که این بحثی گمراه‌کننده و تا حدی هم خجالت‌آور است چون کل ماجرا رانزد مردم، جنگ بر سر مناصب و مکاسب نشان می‌دهد. آنچه به طور اصولی می‌توان از آقای پزشک‌یکان انتظار داشت، ترسیم یک استراتژی منسجم و روشن برای برون‌رفت از این وضعیت ناگوار و انتخاب همکارانش در چارچوب این استراتژی با تکیه بر توانایی‌های آنهاست. آنچه در این میان اصلاً اهمیت ندارد، سابقه وابستگی‌های حزبی و جناحی افراد است. اصلاً معاون سازی از گرایش جناحی افراد، هم غیر اخلاقی و هم مغایر حقوق شهروندی است. این کاری است

انتخابات پارلمان عراق به پایان رسید و تحلیل نتایج اولیه آن در ایران، با اما و اگرهایی همراه است. روایت جریان اصولگرا، صداسیمائو تیون‌های نماز جمعه این است که متحدان ایران و به‌طور مشخص جریان مقاومت در این انتخابات به پیروزی رسیدند. اما اندکی آشنایی با عرصه سیاست در عراق نشان می‌دهد که مسائل این کشور بسیار درهم‌تنیده و پیچیده است و نتایج انتخابات پارلمانی سال ۲۰۲۵ نیز با روایت‌هایی که در ایران مطرح می‌شود، تا حد زیادی تفاوت دارد. براساس نتایج اعلام‌شده از سوی کمیسیون عالی مستقل انتخابات عراق، ائتلاف به رهبری محمدشیاع السودانی نخست‌وزیر این کشور بیشترین میزان آرا را به خود اختصاص داد. ائتلاف تقدم متعلق به اهل سنت در جایگاه دوم قرار گرفت و ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی جایگاه سوم را از آن خود کرد. پس از جریان مالکی که در میان نیروهای نزدیک به ایران دستبندی می‌شود، دیگر ائتلاف‌های جریان مقاومت مانند سازمان بدر، جریان خزعلی و جریان عمار حکیم در رتبه‌های بعدی قرار داشتند.

▼ خنثی‌سازی تلاش‌های آمریکا و رتاج منطقه

روزنامه کیهان در گزارش روز شنبه خود نوشت: «عراقی‌ها در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴) به پای صندوق‌های رأی رفتند تا آینده‌ای مستقل ترسیم کنند، اما در طرف دیگر ماجرا، آمریکا، رژیم آپارتاید اسرائیل و

گروه خبر: با گذشت چهار روز از صدور حکم رئیس‌جمهور برای یکی از مدیران دولت سیزدهم به عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، حواشی و واکنش‌های این حکم همچنان ادامه دارد. مسعود پزشک‌یکان در روز ۲۱ آبان با استناد به اصل ۱۲۴ قانون اساسی و در اجرای جزء (۲) بند (الف) ماده (۴۶) قانون برنامه هفتم توسعه، اسماعیل سقاب اصفهانی را در این جایگاه منصوب کرد. چهره جوانی که به گفته منتقدان، سابقه و تحصیلاتی در حوزه انرژی ندارد و مشخص نیست که چرا چنین مسئولیتی به او سپرده شده است. مسعود پزشک‌یکان پیش از این و در مردادماه، مأموریت انجام مقدمات این سازمان را به سقاب اصفهانی محول کرده بود که همان زمان نیز واکنش‌هایی به دنبال داشت.

اسماعیل سقاب اصفهانی بر اساس گزارش منتشرشده در یکی از رسانه‌های حوزه انرژی، متولد ۱۳۶۴ در مشهد و دانشجوی دکترای مدیریت دولتی با گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی در دانشگاه تهران است. او از سال ۱۴۰۲ با حکم مرحوم سیدابراهیم رئیسی به عنوان «دبیر ستاد راهبردی تحول و مسئول و پایش سند تحول دولت مردمی» منصوب شده بود. سقاب اصفهانی بر اساس گزارش‌های موجود در رسانه‌ها، سابقه فعالیت در شهرداری مشهد، قوه قضائیه و آستان قدس را نیز در کارنامه دارد. او در دوران ریاست سیدابراهیم رئیسی بر قوه قضائیه، دوره‌ای مدیر مرکز پیگیری اجرای سند تحول قضایی بود.

▼ استغای زاهد در واکنش به انتصاب سقاب

یکی از حواشی دنباله‌دار این انتصاب، موضوع استغای فیاض زاهد، عضو پیشین شورای اطلاع‌رسانی دولت بود. واکنش زاهد به دلیل هم‌زمانی این حکم با اخبار مربوط به علت و زمینه‌های خودکشی فواد شمس، روزنامه‌نگار رخ داد و ساعتی پس از این توثیت و درگیری‌های لفظی ایجادشده در شبکه‌های



آن مخالفت کرده است. نتیجه چنین رویکردی، طرح صلح ظالمانه با فلسطین است. ایران هراسی را به ابزاری برای ادامه حیاتشان تبدیل کردند. بزرگترین تهدید امنیتی اسرائیل صلح و آرامش است. چرا مخالف اصلی برجام، اسرائیل بود؟ مگر برجام قرار بود کاری فراتر از ایجاد صلح در منطقه انجام دهد؟ چرا اسرائیل دو روز قبل از دور ششم مذاکرات ایران و آمریکا به ما حمله کرد؟ چرا کسانی که دشمن صلح هستند، توانسته‌اند یک روایت دروغ از ایران در جهان بسازند و روایت خود را به جهان تحمیل کنند؟ ایران سرزمین حافظ است؛ او که می‌گوید: «با دوستان مروت، با دشمنان مدارا.» ایران خواستگاه سعدی است که می‌گوید: «چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار». اینها پیام ایران است، اما اسرائیلی‌ها با دروغ از این ایران، تهدیدی ساخته‌اند تا زیر سایه آن به تجاوزات، نسل‌کشی و آپارتاید خود علیه قطر، تونس، قبرس، لبنان و فلسطین ادامه دهند.

کدام کشور است که اسرائیل در آن ترور انجام نداده؟ و با این کارها افتخار هم می‌کند. حال آنکه این رژیم تنها دارنده سلاح هسته‌ای غیرقانونی در غرب آسیاست، ایرانی که بیشترین بازرسی‌های آژانس از تأسیسات هسته‌ای‌اش انجام شده، توسط همان رژیم‌ی تهدید خوانده می‌شود که تنها کشور دارای سلاح غیرقانونی هسته‌ای است. این رژیم حتی یک رئیس‌جمهور آمریکا که مخالف سیاست‌هایش بوده را نیز ترور کرده است. این یعنی ما نتوانستیم روایت مردم و فرهنگ خود را، فرهنگی که اعراب و مغول و دیگران را به خود جذب کرده، به جهان نشان دهیم. اینها نشانه قدرت فرهنگ ماست، اما متأسفانه اجازه دادیم در جهان روایت دروغی از ما جابقتد و اینجاست که اهمیت چنین نشست‌هایی روشن می‌شود که بتوانند دنیا را آگاه کنند.

ایران در برابر تهدید سر فرود نمی‌آورد، اما در برابر احترام، متواضع است. اگر این دروغ‌ها را نیز داریم، راه بسیار روشنی برای آینده ایران، منطقه و جهان وجود دارد و شما ایران‌شناسان وظیفه این کار را بر عهده دارید.

* این گفتار روز گذشته در اجلاس بین‌المللی ایران‌شناسی ایراد شده است.

حزب الله، حماس، جهاد اسلامی و دیگر جنبش‌های مقاومت زمانی ایجاد شدند که ایران در شرایط ضعف نظامی در برابر قدرت نظامی عراق بود؛ درحالی‌که همه جهان از عراق حمایت می‌کردند. اما هم‌زمان پیام عزت و سربلندی انقلاب اسلامی بود که توانست این جنبش‌ها را ایجاد کند. این یک حرکت ناشی از خودآگاهی و خودباوری جدید بود که جهان را به سمت پیشرفت حمایت کرد اما در تبلیغات صهیونیست‌ها حتی فردی مثل رابین برای اینکه مذاکرات سازش با اعراب را برای مردم اسرائیل توجیه کند، دشمن جدیدی ساخت و آن دشمن ایران بود.

▼ مردم فلسطین تاوان جنایت اروپایی‌ها را می‌دهند

روایت تورات از نجات یهودیان در بابل به دعای استر و مرده‌خای تبدیل شد و یک صندیت در روابط ایران و قوم یهود ایجاد کرد. این پیام ابتدا در سرزمین اسرائیل و سپس به اعراب و جهان مخایره شد. دروغی که حتی پیش از آنکه ایران برنامه هسته‌ای داشته باشد شکل گرفت. تتائیاها در سال ۱۹۹۵ گفت ایران سه سال تا ساخت بمب هسته‌ای فاصله دارد؛ در سال ۱۹۹۷ گفت ایران تا پایان قرن میلادی سلاح هسته‌ای خواهد داشت؛ اما چند ماه پیش که به ما حمله کردند، یعنی در سال ۲۰۲۵، تازه گفتند چند ماه با ساخت بمب هسته‌ای فاصله دارد.

من نمی‌گویم هولوکاست دروغ است؛ هولوکاست جنایتی است که اروپایی‌ها انجام دادند، اما چرا مردم مسلمان فلسطین باید تاوان آن را بدهند؟ اروپایی‌ها خودشان را مرکز اخلاقی جهان می‌دانند و می‌گویند ما نباید پاسخگو باشیم. اروپا خود را معیار حق و باطل در جهان می‌دانست و برای همین پاسخ نمی‌دهد که چرا کشور دیگری باید تاوان جنایت آنها را بدهد.

▼ اسرائیل در کدام کشور ترور انجام نداده است؟

بازی امنیتی‌سازی ایران یک روایت است؛ روایتی دروغین که دنیا را به تنگنای جنگ منطقه‌ای کشانده بود. اگر این دروغ مشخص نشود و افشا نگردد، کسانی که حیات‌شان در جنگ است، پیروز خواهند شد. بزرگ‌ترین تهدید رژیم صهیونیستی صلح و آرامش است و هرگاه صلحی مطرح بوده، اسرائیل با